معنای عفتورزی و طلب نکاح در آیه‌ی «و لیستعفف الذین لایجدون نکاحا»

استاد: من این حدیث را می‌گویم خودتان مراجعه کنید. مجمع البحرین در ذیل ماده‌ی «عفف» آورده است. ایشان می‌فرمایند:

> «(عفف)
>
> قوله تعالى و ليستعفف الذين لا يجدون نكاحا [24/ 33] أي إن كان الفقير يخاف زيادة الفقر بالنكاح فليجتهد في قمع الشهوة و طلب العفة بالرياضة لتسكين شهوته كما قال:" يا معشر الشباب من استطاع منكم الباه فليتزوج، و من لم يستطع فعليه بالصوم فإنه وجاء". و قيل الاستعفاف هو النكاح، فمعنى قوله و ليستعفف؛ أي يتزوج و قوله لا يجدون نكاحا أي لا يجدون ما يكون مسببا عن النكاح و هو المهر و النفقة، فإذا نكح فتح اللّه عليه باب الرزق فيغنيه من فضله ما يؤدي به حقوق النكاح، و لا يجوز أن يترك النكاح لخوف لزوم الحق لأنه إساءة الظن باللّه.
>
> و في الحديث عن إسحاق بن عمار قال:" قلت لأبي عبد اللّه ع الحديث الذي يرويه الناس أن رجلا أتى النبي ص فشكى إليه الحاجة فأمره بالتزويج، ثم أتاه فشكى إليه الحاجة فأمره التزويج حتى أمره ثلاث مرات، فقال أبو عبد اللّه ع نعم هو حق، ثم قال: الرزق مع النساء و العيال".
>
> و في حديث معاوية بن وهب عن أبي عبد اللّه ع، في قول اللّه تعالى و ليستعفف الآية" قال: يتزوجون حتى يغنيهم اللّه في فضله»[1].

«و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحا»؛ یعنی جلوی خودشان را بگیرند؛ «یمتنع». عفت به خرج بدهند. این یک معنا است. یک معنای دیگر را هم ایشان می‌فرمایند و برای آن حدیث می‌آورند. «و لیستعفف» یعنی «فلینکح». «الذین لایجدون نکاحا» به چه معنا است؟ یعنی کسانی که پول ندارند، فقیر هستند و نمی‌توانند یک خانه داشته باشند، چه کار کنند؟ بروند ازدواج کنند، خدا می‌دهد. «حَتّىٰ يُغۡنِيَهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ»[2]. بنابراین «فلیستعفف» یعنی «فلینکح».

«و في الحديث عن إسحاق بن عمار»؛ همانی که مرحوم حاج آقای صدوقی [شهید محراب] هر سال می‌خواندند و برای آن شوخی ذکر می‌کردند. محضر حضرت علیه السلام آمد و عرض کرد: «أن رجلا أتى

النبي صلّى اللّه عليه و آله فشكى إليه الحاجة»؛ گفت خیلی فقیر هستم، «فأمره بالتزويج ثم أتاه فشكى إليه الحاجة فأمره التزويج حتى أمره ثلاث مرات»؛ از حضرت علیه السلام سؤال می‌کنند که ایا این رسول اللّه این درست است؟! «فقال أبو عبد اللّه عليه السلام نعم وه حق، ثم قال: الرزق مع النساء و العيال"».

خُب، در این فضا «فلیستعفف»، به‌معنای نکاح نیست. اینجا از ریشه زیادی «عفت» است. «فلیستعفف» یعنی به سمت زیاد کردن اهل وعیال برود. «استعف» یعنی طلب زیاد کردن. نه اینکه «عفت» به‌معنای نکاح باشد. «فلیستعفف» یعنی تشکیلات خودش را زیاد کند، عیالات داشته باشد تا خداوند به او بدهد. بنابراین کلمه‌ی «عف» این را دارد. این برعهده‌ی شما باشد. حال چرا «عف» دو معنا دارد؟ خود اصل بحث اضداد؛ قواعد کلی اضداد چیست؟ مثال‌ً یکی از راه‌حل‌های اضداد را امروز گفتم. یعنی چه بسا در یک مادّه‌ای که ما ضدیت می‌بینیم، یک وجهش این است که یک جامعی دارد که آن دو ضد مثل پارادوکس تناقض نما است، ولی تناقض نیست. اینجا هم یک معنای جامعی دارد که تضادنما است. این یک جواب است. ولی یک جواب دیگر این است که زبان از دو طریق به این دو ضد رسیده است. از قواعد متعدد به این رسیدید. «وجد» از یک طریق به‌معنای غضب آمده است و از اعمال قاعده و طریق دیگری، به‌معنای سرور آمده است. مثل همینی که امروز برای «ضعف» عرض کردم.

---

[1]. مجمع البحرين، ج ۵، ص ۱۰۲.

[2]. النور، آیه‌ی ۳۳.

بازبینی #2
ایجاد شده 11 فوریه 2024 12:02:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 فوریه 2024 15:31:34 توسط ... .